کار - نان - آزادی
حکومت شورائی

کار

سازمان فدائیان (اقلیت)

کارگران سراسرجهان
متحد شوید!

سال بیست و پنجم _ نیمه اول تیر ۸۲

شماره ۴۰۸

تظاهرات توده‌ای ، پیش درآمدی بر یک طوفان بزرگ

درشامگاه ۲۰خرداد صدهاتن از دانشجویان کوی دانشگاه تهران که همواره پیشتازترین مرکز دانشجویی در مبارزه علیه رژیم های ستمگرحاکم برایران بوده‌است، در اعتراض به طرح خصوصی سازی دانشگاه ها ، با شعارهای "دانشگاه‌خصوصی‌نیست، دانشجو فروشی نیست" " مرگ برغارتگر بیت‌المال " "آزادی، عدالت، این‌است شعار ملت" ازکوی دانشگاه به سوی خیابان کارگر به حرکت در آمدند.

هنوز مدت زمانی از تظاهرات دانشجویان نگذشته بود، که هزاران تن ازمردم تهران، با شعار "دانشجو، حمایتت می‌کنیم" به این تظاهرات پیوستند وصدای بوق اتومبیل ها در خیابان های تهران به عنوان نشانه ای ازهمبستگی باتظاهرات دانشجویان به صدا درآمد.

با توده‌ای شدن‌این‌تظاهرات، لحظه به لحظه، شعارها رادیکال تر شد و از شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" تا شعار های مرگ بر خامنه ای، رفسنجانی و خاتمی ومرگ بر جمهوری اسلامی ارتقاء یافتند.

نیروهای‌مسلح سرکوب‌رژیم، که به منظورسد کردن مسیر تظاهرکنندگان به سوی خیابان انقلاب و جلوگیری از پیوستن بیشتر مردم به تظاهرات ، راه های ورودی از خیابان انقلاب را مسدود کرده بودند، به مقابله و درگیری بامردم برخاستند. تظاهرکنندگان بابر افروختن آتش در خیابان ها و ایجاد موانع، با نیروهای ضدشورش درگیرشدند. ماشین های آنها را سنگباران کردند. به برخی ازمراکز دولتی حمله کردند و شیشه -های چند شعبه بانک را شکستند.

این تظاهرات تاروز ۲۱خرداد، دیگرمراکز دانشگاهی و برخی مناطق تهران را فرا- گرفت ودرطی چند روز به اصفهان، شیراز، مشهد، بابلسر، بهشهر، کرمان، یزد، همدان، تبریز ، سنندج و خلاصه کلام تا دورترین شهرستان ها گسترش و بسط‌یافت.

درجریان‌این تظاهرات سراسری وتوده‌ای، حداقل ۵ تن از مردم توسط مزدوران رژیم به قتل‌رسیدند. صدهاتن روانه بیمارستان - ها شدند وهزاران تن دستگیر شدند.

تظاهراتی باچنین‌ابعاد توده‌ای و سراسری و رادیکال‌ترین شعارهابرای سرنگونی رژیم، پیش‌ازاین در تمام دوران موجودیت جمهوری اسلامی سابقه نداشت.

صفحه ۲

بیانیه سازمان فدائیان (اقلیت) خطاب به مردم زحمتکش و مبارز ایران

مبارزه و مقاومت قهرمانانه دانشجویان در برابر ارتجاع حاکم بر ایران و نیروهای سرکوبگر آن، مجددا رژیم جمهوری اسلامی را با بحرانی جدی روبرو ساخته است.

در حالی که رژیم جمهوری اسلامی، نیروی سرکوب خود را برای مقابله با جنبش دانشجویی در ۱۸ تیر آماده می‌کرد، این جنبش، رژیم را غافلگیر کرد و زودتر از موعدی که رژیم در انتظارش بود، تعرض خود را بار دیگر آغاز نمود. جنبشی که ۵ روز پیش، از کوی دانشگاه تهران آغاز گردید، در نتیجه ایستادگی قهرمانانه دانشجویان در برابر نیروهای سرکوب ارتجاع و حمایت توده‌های مردم از اعتراض و مبارزه دانشجویان در حال گسترش است.

دانشجویان دانشگاههای دیگر، از جمله دانشگاه بهشتی در تهران، دانشجویان دانشگاه‌ها در اصفهان و شیراز، هم اکنون به این جنبش جدید پیوسته‌اند و بخش‌هایی از توده های مردم نیز به راهپیمایی‌ها و تظاهرات دانشجویان پیوسته‌اند.

رژیم جمهوری اسلامی که از رشد و گسترش روزافزون این جنبش و شعارهای رادیکال آن که تمام موجودیت جمهوری اسلامی را هدف قرار داده است، با هراس مرگباری روبرو شده است، تمام پرده‌ها را کنار زده است. مزدوران سرکوبگر خود را از نیروهای ضدشورش و ماموران وزارت اطلاعات گرفته تا سپاهی و بسیجی را برای سرکوب این جنبش بسیج نموده است. دانشگاه‌ها و مراکز سکونت دانشجویان را به اشغال نظامی در آورده و از روز گذشته بی‌مهابا تظاهرکنندگان را به گلوله می‌بندند.

صفحه ۳

فشرده اخبار و گزارش اعتراضات دانشجویی و تظاهرات خیابانی

تهران- از بیستم خرداد، دانشجویان دانشگاه - های مختلف در تهران ، دست به یک رشته تجمعات، تظاهرات و راهپیمایی‌های‌اعتراضی زدند. اجتماع اعتراضی دانشجویان که ازکوی دانشگاه تهران و دراعتراض به خصوصی سازی دانشگاه ها آغاز شد، به سرعت، بسیاری از خیابان ها، میادین ومحلات تهران ونیز سایر شهر های کشور را درنوردید و با پیوستن هزاران تن ازجوانان و سایر اقشار مردم به صف دانشجویان، این‌اعتراضات به‌فوریت‌رنگ و بوی سیاسی به خود گرفت. به رغم آن که یونسی وزیراطلاعات رژیم درهمان نخستین روز اعتراضات توده‌ای‌اعلام کرد که سازمان -دهندگان این اعتراضات را دستگیر نموده و وزیر کشور نیز تهدید کرد که با "اغتشاش گران" به شدت‌برخوردخواهد شد و بالاتراز آن، شخص خامنه‌ای نیز ازعمال و جیره خواران خود خواست تا قاطعیت بیشتری به خرج دهند، اما اجتماعات و تظاهرات اعتراضی تا ده روز ادامه یافت . ده روزی که زمین زیر پای حکومت اسلامی را لرزاند. در این اجتماعات اعتراضی که عموما شب‌ها آغاز و تانزدیک صبح تداوم می‌یافت، دانشجویان اکثر دانشگاه ها در تهران، از جمله دانش- جویان دانشگاه بهشتی ، علامه طباطبایی،

صفحه ۵

مبارزه طبقاتی و رهائی زنان (۲۹)

در شماره قبل، نقش زنان در جنبش انقلابی در روسیه در نیمه دوم قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰، از کتاب مبارزه طبقاتی و رهایی زنان درج شد، قسمت بعدی به برهه‌انقلاب ۱۹۰۵ اختصاص دارد.

در پی انقلاب ۱۹۰۵

تنها در سال ۱۹۰۵، هنگامی که حکومت در برابر اعتلاء ناآرامی توده‌ای واداربه عقب نشینی شد، سازماندهی گسترده زنان‌کارگر ممکن گردید . مارکسیست ها خود را در

صفحه ۷

پاسخ به سئوالات ۸
خلاصه ای از اطلاعیه‌ها و بیانیه‌های سازمان ٤

www.iran-archive.com

ازصفحه ۱

تظاهرات توده‌ای ، پیش درآمدی بر یک طوفان بزرگ

اکنون ازدامنه وابعاد این تظاهرات کاسته شده‌است، اماتمام شواهد موجود حاکی‌ست که این تظاهرات، پیش درآمدی بر اشکال عالی تر مبارزه است که فرارسیدن طوفان انقلاب را اعلان خواهند کرد. این تظاهرات، دما سنجی برای آمادگی مردم برای انقلاب بود. تظاهرات نشان داد که توده های مردم ایران، پس از یک دوره نبردهای پراکنده و آزمودن اشکال متنوعی از مبارزه، اکنون به آن مرحله از آمادگی رسیده اند که در یک جنبش توده ای سراسری به نبردی سرنوشت سازبرای سرنگونی جمهوری‌اسلامی برخیزند. مرحله جدیدی‌از رشد جنبش واعتلای‌انقلابی فرا رسیده است . بحران سیاسی به نهایت ژرفای خود رسیده است. نارضایتی توده ای ازوضع موجود، ابعاد چنان گسترده وسراسری به خود گرفته است که درنوع خود کم نظیر است. بحران اقتصادی وتوام با آن سیاست - های طبقه سرمایه دار و دولت مجری آنها، چنان عرصه را بر توده های زحمتکش مردم تنگ کرده‌است که دیگربه هیچ روی نمی‌توانند حداقل معیشت خود راتامین کنند. فشارهای سیاسی رژیم نیز به حد غیر قابل تحملی رسیده‌اند. نکته مهم‌امااین‌است که توده‌های مردم نه تنهااز وضع موجود ناراضی‌اند، نه تنها نمی خواهند به شیوه نکبت بار کنونی زندگی کنند، بلکه حقیقتابه لحظه‌ای رسیده - اند که دیگر نمی توانند به شیوه کنونی زندگی کنند ووضع موجود را تحمل کنند. نارضایتی، اعتراض و مبارزه به آن مرحله از رشد خود رسیده است که توده مردم برای دگرگونی وضع موجود، آماده هرگونه از خود گذشتگی و جانفشانی‌هستند. تظاهرات‌اخیر، به وضوح این حقیقت را نشان داد.

همین واقعیت نشان می دهد که توده های وسیع مردم، دیگر هیچ گونه امیدی به بهبود وضع خود در چارچوب نظم موجود ندارند. شکست سیاست های رژیم و نه فقط جناح مسلط آن، بلکه جناح موسوم به "اصلاح‌طلب" آن حتا بر عقب مانده ترین بخش توده های مردم آشکار و عیان شده است. دیگر ذره ای هم توهم به رژیم یاجناحی‌ازآن باقی‌نمانده است. شعارهای مردم درتظاهرات اخیرعلیه خاتمی، تیرخلاصی بود که بر پیکر بی جان مدعیان اصلاح‌طلبی ازدرون حاکمیت، شلیک می شد.

مجموعه این اوضاع، رشد فزاینده اعتراضات و مبارزات توده‌ای، شکست تمام سیاست‌های رژیم که هرجناحی، دیگری رامسبب آن اعلام می‌کند وبالنتیجه عمیق‌ترشدن بحران‌اقتصادی و سیاسی ، تضاد های درون هیئت حاکمه را تشدید نموده و شکاف‌های درونی را عمیق‌تر کرده‌اند. این شکاف به درجه‌ای عمیق شده است که حتا گروهی از درون هیئت حاکمه عملا به اردوی اپوزیسیون بورژوایی رژیم پیوسته‌است. عمیق‌ترشدن این شکاف، امکان بیشتری برای فوران خشم و نارضایتی توده - ای فراهم نموده است.

اوضاع جمهوری اسلامی ، تنها درداخل وخیم وبحرانی‌نیست . وضعیت بین‌المللی نیزبه وخامت بیشتر موقعیت جمهوری‌اسلامی یاری رسانده است . اوضاع سیاسی منطقه خاور میانه به زیان رژیم تغییر کرده است.

قدرت‌های‌بزرگ جهانی، برای پیشبرد سیاست -های خود درمنطقه و ایران و در عین حال ، تلاش برای مهارانقلاب‌توده‌های مردم ایران، رژیم را تحت فشار سیاسی قرارداده اند تا تغییرات مورد نظر آنها را به مرحله اجرا درآورد. امپریالیسم آمریکا و امپریالیست - های اروپایی، به رغم تضادهایی که برسر خاور میانه وبه ویژه ایران با یکدیگر دارند، دراین نقطه نظر، اتفاق نظر دارند که انقلاب درایران به ویژه درشرایطی که وضعیت منطقه خاورمیانه، بحرانی، بی ثبات ودرهم ریخته است، می‌تواند بسیاری از معادلات منطقه‌ای آنها را برهم بزند . معهذا، آنها این را نیز می‌دانند که نه تنهابا وجود جمهوری‌اسلامی پیشرفت سیاست های آنها درمنطقه با مشکل روبرو خواهد شد، بلکه هرلحظه امکان وقوع یک انقلاب دردرون خود ایران وجود دارد. ازاین جاست که فشارهای سیاسی خود را به رژیم تشدید کرده اند.

لذا دولت‌آمریکا، درهمان حال که‌اکنون درتدارک آلترناتیو سازی برای مهار جنبش انقلابی توده های مردم ایران، در مرحله‌ای ست که سرنگونی جمهوری‌اسلامی‌به واقعیتی بالفعل تبدیل شود، لااقل درلحظه کنونی، سیاست‌های خود را با سیاست های قدرت های اروپایی هم آهنگ نموده‌است که خواهان تشدید فشار به جناح مسلط هیئت حاکمه برای پذیرش پاره ای ازتحولات ازدرون خود رژیم، بدون تلاطماتند.

قدرت‌های اروپایی تاکنون نیزمنتهای تلاش خود رابرای پیشبرداین سیاست‌به کاربرده‌اند. آنها نگران میلیاردها سرمایه گذاری و سود - های هنگفت آن درایران هستند، از آن بیم دارند که ادامه سیاست های جمهوری اسلامی به روال کنونی، به چنان انفجاری بیانجامد که این بازاربزرگ و سودآور راازدست بدهند. معهذاشکست‌این سیاست، ازمدتها پیش برملا شده‌است. نه جناح مورد حمایت آنها دردرون هیئت حاکمه از قدرت ، جربزه و توان لازم برخورداراست که بتواند باجناح مسلط رویا رویی کند وسیاست های مطلوب قدرت های جهانی را پیش برد و نه جناح مسلط باوجود این که موقعیت اش در اوضاع کنونی بیش از هر زمان دیگرمتزلزل‌است، به سادگی تسلیم خواهد شد و قدرت را واگذار خواهد نمود. چرا که از دید آنها این به معنای از دست رفتن قدرت، منافع و پایان جمهوری‌اسلامی، لااقل در شکل وشمایل کنونی آن خواهدبود. در این جاست که جناح هایی از بورژوازی ایران و بورژوازی بین المللی ، ازجنگ و مقابله نظامی، هم برای سرنگونی جمهوری اسلامی وهم‌برای مقابله باانقلاب درایران، دفاع می‌کنند. این دیدگاه، درلحظه کنونی، دیدگاه و سیاست هیچ یک از قدرت های جهانی نیست. این شق در شرایطی که قدرت - های‌آمریکایی واروپایی، به‌نحو روزافزونی در افغانستان و عراق در منجلاب یک جنگ فرسایشی فرو می روند، غیر محتمل تر از هر زمان دیگر می گردد. این قدرت هابه خوبی می دانند که در ایران ، آنها با معضلاتی هزار بار پیچیده تر از افغانستان و عراق روبرو خواهند شد که به هیچ روی یاری مقابله با آنها را نخواهند داشت.

بنابراین، علی رغم تلاش های قدرت های بزرگ ، تنها یک شق ، بیشترین احتمال و امکان تحقق را خواهد داشت و آن مقابله قدرت توده ای ، برای به زیر کشیدن قدرت موجود است واین معنای دیگری جزیک‌انقلاب نخواهد داشت .

تظاهرات‌اخیر نیزهمین واقعیت را نشان داد وبرامکان تحقق‌این شق، درشرایطی که‌اوضاع داخلی رژیم به منتها درجه وخیم شده است و از نظر بین المللی نیزتحت فشار قرار گرفته است، مهر تائید زد.

این تظاهرات توده ای و سراسری، فرارسیدن مرحله جدیدی‌از رشد جنبش واعتلای انقلابی رااعلام‌نمود. ازاینرو آن راباید پیش درآمدی بر یک موج وسیع اعتصابات اقتصادی وسیاسی توده‌ای دانست که سرانجام به‌اعتصاب عمومی سیاسی خواهد انجامید.

قانونمندی های مبارزه طبقاتی و توده ای و نیزتجارب عملی این مبارزات در دوران های انقلابی، نشان داده‌است که درایران، همواره درپی یک‌رشته، اعتراضات ومبارزات پراکنده، این مبارزه در مرکز یعنی در تهران به صورت تظاهرات ، شکلی بالنسبه‌منسجم‌به خود خواهد گرفت وازاینجا به پیرامون ، به شهرستان ها انتقال می یابد و شکلی بالنسبه سراسری به خود خواهد گرفت. هنگامی که جنبش به این مرحله از رشد و ارتقاء خود می رسد ، لاجرم باید به شکل عالی‌تری‌از مبارزه ارتقاء یابد. چرا که هم عدم کارآیی این شکل ازمبارزه به تنهایی، درعمل آشکار می گردد وهم الزامات توده‌ای‌ترشدن جنبش فراروی به شکلی نوین وعالی تر از مبارزه را ایجاب می کند. برای این که جنبش توده‌ای چنان وسعت گیرد که در ابعادی نوین ظاهر گردد، پرجمعیت‌ترین طبقه یعنی طبقه کارگرباید به جزیی‌لاینفک از این جنبش سراسری و ستون فقرات آن تبدیل شود. کارگران هم اکنون به صورت عناصر منفرد در تظاهرات توده ای حضور دارند وگاه کارگران یک یا چند کارخانه به طور مجزا تظاهرات برپا می‌کنند، اما هنوز نمی توانند به عنوان یک طبقه و یک جریان توده ای در تظاهرات مرحله کنونی حضوریابند. کارگران نمی‌توانند هرروز کارخانه و موسسه ای را که در آن کار می‌کنند تعطیل کنند و درخیابان‌ها تظاهرات کنند. مرکز قدرت نمایی آنها کارخانه و شکل مختص و ویژه مبارزه آنها اعتصاب است. بنابراین ارتقاء شکل مبارزه و توده ای شدن گسترده وهمه جانبه جنبش سراسری، معنای دیگری جز تبدیل شدن‌اعتصاب به شکل اصلی مبارزه نخواهد داشت. این اعتصابات که در آغاز با یک موج‌اعتصابات‌اقتصادی و سیاسی و یا تلفیقی از این دو همراه خواهد بود، در نطقه اوج خود به اعتصاب عمومی سیاسی خواهد انجامید . در این مقطع است که کار - گران به عنوان یک‌طبقه درتظاهرات حضور می یابند و تلفیق این دو شکل اصلی مبارزه که با یک رشته ازاشکال‌جنبی وفرعی مبارزه، ازجمله قیام‌های‌محلی، مبارزات ودرگیری‌های مسلحانه همراه‌خواهدشد، شرایط را برای قیام مسلحانه عمومی و سراسری و سرنگونی رژیم فراهم خواهد ساخت . روند تبدیل و تبدل اشکال مبارزه و سرعت‌ارتقاء آنها وابسته به عوامل عینی وذهنی درجنبش والبته اتفاقات وحوادث متعددی ست که درهر لحظه می‌تواند برآن تاثیر بگذارند.

بنابراین ازتظاهرات اخیر که۱۰ روز، سراسر ایران رافراگرفت، چیزی بیش‌ازآنچه که انجام داد، نباید انتظار داشت. این تظاهرات توده‌ای آنچه را که می‌بایستی انجام دهد، انجام داد و فرا رسیدن مرحله نوینی در رشد جنبش و اعتلای انقلابی را اعلام داشت.

www.iran-archive.com

ازصفحه ۱

بیانیه سازمان فدائیان (اقلیت)
خطاب به مردم زحمتکش و مبارز ایران

در تظاهرات شب گذشته در تهران چند تن از تظاهرکنندگان در اثر اصابت گلوله روانه بیمارستان شده‌اند. در شیراز نیز یک دانشجو به ضرب گلوله مزدوران حکومت اسلامی به قتل رسیده است.
سران رژیم، یکی پس از دیگری عربده می‌کشند و تهدید می‌کنند. اینان برای مقابله با جنبشی که هر لحظه امکان دارد به یک جنبش توده‌ای سراسری تبدیل شود، علاوه بر کاربرد نیروی قهر و سرکوب، به عوام‌فریبی نیز متوسل شده‌اند و ادعا می‌کنند که این مبارزات و اعتراضات در نتیجه تحریکات آمریکا و سلطنت طلبان است.
این اراجیف در حالی بر زبان سران رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی جاری ست، که جنبش اعتراضی علنی و مستقیم توده‌های مردم ایران علیه رژیم پس از سرکوب سال ۶۰، از یک دهه پیش دوباره اعتلا یافته و در بیشمار مبارزات کارگران و زحمتکشان، دانشجویان و معلمان، زنان و جوانان، تبلور یافته است. تنها مرتجعین می‌توانند این جنبشی را که از اعماق جامعه برخاسته و نشانه نارضایتی عمیق توده‌های مردم از وضع موجود است، نتیجه تحریکات از خارج کشور معرفی کنند. کارنامه آمریکا و سلطنت‌طلبان، سیاه‌تر از آن است که توده‌های مردم ایران، از آنها الهام بگیرند. دانشجویان و توده مردمی که در تظاهرات روزهای اخیر شرکت کرده‌اند، خوب می‌دانند که امپریالیسم آمریکا و سلطنت‌طلبان، پس از کودتای ۲۸ مرداد و حاکمیت یک ربع قرن اختناق و سرکوب رژیم شاه چه جنایاتی در ایران به بار آوردند. ۱۶ آذر، تنها یک نمونه آن است.
رژیم بیهوده می‌کوشد، جنبش خودجوش اعترضی توده‌های مردم ایران را به عوامل خارجی نسبت دهد. این همان تاکتیک ورشکسته‌ای است که رژیم شاه نیز به آن متوسل گردید، اما شکست خورد و ناگزیر اعتراف نمود که صدای انقلاب‌تان را شنیدم.
این جنبشی که از اعماق جامعه برخاسته و در طی چند روز و حتی چند ساعت از محدوده یک جنبش صرفا دانشجویی فراتر رفت و به جنبشی توده‌ای تبدیل گردید، به رغم تمام سرکوب‌ها و تلاش‌های مذبوحانه رژیم به پیش خواهد رفت. دانشجویان و توده‌های مردم، اکنون با درس‌گیری از تجربیات گذشته ، برای خنثی کردن اقدامات سرکوبگرایانه رژیم، تاکتیک‌های مناسبی را به‌کار گرفته‌اند که به ویژه در مرحله کنونی که هنوز جنبش، ابعاد توده‌ای گسترده و سراسری به خود نگرفته است، از کارآیی بالایی برخوردارند.
تظاهراتی که با تاریکی شب آغاز می‌گردد، از مزایای تاکتیکی فراوانی برخوردار است. این تظاهرات امکان می‌دهد که تعداد روزافزونی از مردم به این جنبش اعتراضی بپیوندند. حتی مردمی که هنوز مستقیما در تظاهرات حضور ندارند، می‌توانند از طریق شعارهایی که از روی بام خانه ها سر می‌دهند و سنگباران نیروهای سرکوب در کوچه ها و خیابانها، یا از طریق به صدا در آوردن بوق ماشین‌های خود، به این جنبش و اعتلا آن یاری رسانند. این تاکتیک به استمرار و تداوم جنبش نیز کمک می‌کند و قدرت مانور نیروهای سرکوب حکومت را محدود می‌نماید. پراکندگی تظاهرات در مناطق و خیابان های مختلف نیز در همان حال که به گسترش جنبش یاری می‌رساند، نیروی سرکوب رژیم را پراکنده و تضعیف می‌کند. این نیز با مرحله کنونی رشد جنبش انطباق دارد. بدیهی است که با رشد جنبش، به اشکال نوین و کارآتری از مبارزه نیاز است. اعتصاب عمومی سیاسی نیاز فوری مرحله بعدی این جنبش است.

دانشجویان مبارز!

پیروزی بر رژیمی فوق‌ارتجاعی که تکیه‌گاهش یک نیروی عریض و طویل نظامی‌ست، نیازمند یک جنبش پرقدرت توده‌ای است که نیروی اصلی آن طبقه کارگر ایران می‌باشد. تنها طبقه کارگر است که می تواند با برپایی اعتصاب عمومی سیاسی، جنبش را یک گام کیفی به جلو سوق دهد. بنابراین ضروری است که پیوند خود را با این جنبش مستحکم کنید. به برپائی اعتصاب عمومی یاری رسانید و از هم‌اکنون با ایجاد کمیته‌های اقدام و کمیته‌های اعتصاب در تدارک اعتصاب عمومی سیاسی باشید.

کارگران ایران!

رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی که ۲۴ سال، توده های مردم ایران و بیش از همه طبقه کارگر را تحت ستم و سرکوب قرار داد، در آستانه فروپاشی‌ست. این رژیم، هم اکنون به اتکا نیروی سرکوب‌اش، موجودیت‌اش را حفظ کرده است. تنها، نیروی پرتوان طبقه کارگر ایران قادر است، ضربه قطعی را به این رژیم وارد آورد و دستگاه ستم و سرکوب آن را درهم بشکند.
اکنون فرزندان شما مردم کارگر و زحمتکش در دانشگاه ها بپاخاسته‌اند. رژیم با تمام سرکوب و ددمنشی نتوانسته است این جنبش را از پای درآورد. سرنوشت جنبش کنونی مردم ایران، وابسته به مداخله و نقشی است که طبقه کارگر ایران در این جنبش ایفا خواهد نمود.
هیچ جنبشی در ایران نمی تواند به پیروزی برسد، مگر آنکه به طبقه کارگر ایران تکیه داشته باشد. چرا که تنها طبقه کارگر، این اکثریت عظیم توده‌های مردم ایران، قدرت رویارویی جدی با رژیم را دارد. تنها طبقه کارگر است که می تواند چرخ تولید را متوقف سازد. با اعتصاب سراسری خود منابع مالی تغذیه رژیم را قطع کند، این رژیم را به زانو در آورد و شرایط را برای یک قیام و سرنگونی این رژیم ستمگر فراهم سازد.
مداخله طبقه کارگر به عنوان یک طبقه در این جنبش، نه فقط برای شکل‌دهی به یک جنبش هدفمند سراسری ضروری ست ، بلکه برای خنثی‌کردن تلاش های سرمایه‌داران و تمام مرتجعینی که در کمین نشسته‌اند تا بار دیگر انقلاب توده های مردم ایران را به شکست بکشانند، امری ضروری و حتمی است. لذا اکنون زمان آن فرا رسیده است که کارگران ایران برای کوبیدن مهر خود بر رهبری جنبش و نجات جنبش‌های اجتماعی متعدد مردم ایران از سرکوب و شکست، ابتکار عمل را به دست بگیرند و با ایجاد کمیته های اعتصاب، تشکیل کمیته های هم آهنگی اعتصاب، در تدارک یک اعتصاب عمومی سراسری برآیند.

زنان تحت ستم!

جمهوری اسلامی پس از یک ربع قرن ستمگری وحشیانه نسبت به زنان و محروم کردن نیمی از جمعیت جامعه ایران حتی از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی، به پایان دوران حیات ننگین‌اش رسیده است. هیچ جنبشی نمی‌تواند بدون مداخله فعال زنان به پیروزی برسد.
گسترش تظاهرات و اعتراضات نیازمند دخالت زنان در ابعاد توده‌ای نظیر دوران انقلاب علیه رژیم شاه است. هم اکنون بخش عظیمی از نیرویی که در تظاهرات شرکت دارند، زنان مبارز ایران‌اند. این زنان قهرمان و مبارز در تظاهرات‌هایی که در جریان است، حجاب اجباری را که نشانه بربریت حکومت اسلامی‌ست به دور می‌اندازند و برای برانداختن تمام ستمی که با آن روبرو هستند با رژیم ضدانسانی و زن ستیز جمهوری اسلامی به نبردی رویاروی برخاسته‌اند. هرچه گسترده‌تر به جنبش سرنگونی رژیم بپیوندید و لحظه نابودی آن را تسریع کنید.

معلمان و دانش‌آموزان مبارز!

رژیم جمهوری اسلامی به عنوان پاسدار کهنه پرستی و ارتجاع و مروج خرافات عهد عتیق که دشمنی آشتی ناپذیری با علم و دانش و پیشرفت بشریت دارد، در طول یک ربع قرن حاکمیت ننگین‌اش تلاش نمود که مدارس را به مرکز ارتجاع فرهنگی تبدیل کند. اما ایستادگی معلمان و دانش آموزان، این تلاش‌های ارتجاعی را خنثی نمود. در این سالها معلمان زیر شدیدترین فشارهای مادی و معنوی قرار گرفتند. دانش‌آموزان از بسیاری امکانات تفریحی، فرهنگی، ورزشی و پرورشی محروم شدند. این دوران وحشتناک، اکنون به پایان خود نزدیک شده است. جنبش توده‌ای برای سرنگونی رژیم در حال گسترش است. اکنون زمان آن فرا رسیده است که معلمان با اعتصاب عمومی خود، ضربه دیگری بر پیکر پوسیده رژیم وارد آورند و جنبش دانشجویان و توده‌های زحمتکش مردم را که از چند روز

www.iran-archive.com

صفحه ٤

خلاصه ای از اطلاعیه‌هاو بیانیه‌های سازمان

«تظاهرات دانشجویان کوی دانشگاه تهران» عنوان اطلاعیه‌ای ست که سازمان در تاریخ ۱۳۸۲/۳/۲۰ انتشار داد. در این اطلاعیه خبر ازتظاهرات دانشجویان داده شده است که با اعتراض به خصوصی سازی دانشگاه‌ها آغاز گردید و با پیوستن مردم به این تظاهرات، تبدیل به تظاهراتی سیاسی توده‌ای با شعارهای به کلی سیاسی شد.
دراین اطلاعیه گفته شده است که ازحوالی ساعت ۸ شب امروز، صدهاتن از دانشجویان کوی دانشگاه با تجمع در خیابان امیرآباد دست به تظاهرات زدند ودرمدتی کوتاه، هزاران تن ازمردمی که شعار می دادند دانشجو حمایتت می‌کنیم، به آنها پیوستند.
در این اطلاعیه، همچنین خبر ازگسترش تظاهرات به برخی مناطق دیگر، درگیری میان پلیس ضد شورش و مردم، سنگربندی و آتش زدن لاستیک در خیابان‌ها برای مقابله با نیروهای ضد شورش، داده شده است.
در۲۱ خردادماه اطلاعیه دیگری تحت عنوان «مردم خواهان آزادی بازداشت شدگان‌اند» انتشار یافت. این اطلاعیه می‌گوید که تظاهرات همچنان ادامه دارد ودانشجویان وتوده‌های مردمی که به تظاهرات پیوسته‌اند، با شعارهای رادیکال خود علیه سران حکومت وتمام موجودیت جمهوری اسلامی، آگاهی سیاسی خود را به وضوح نشان‌دادند.
این اطلاعیه، اظهارات وزیر اطلاعات حکومت اسلامی را در گفتگو با خبرنگاران که این تظاهرات را به عوامل خارجی نسبت داده بود و توده‌های مردم را بی‌شرمانه اراذل واوباش نامید، نشانه استیصال و ورشکستگی تام وتمام جمهوری اسلامی ویادآور ادعاهای سران رژیم سلطنتی در واپسین لحظات عمر آن می‌داند.
اطلاعیه سپس با اشاره به دستگیری دهها تن ازتظاهر کنندگان توسط نیروهای ضد شورش و ماموران وزارت اطلاعات، ضمن محکوم کردن اقدامات سرکوبگرانه رژیم، خواهان آزادی فوری و بی قیدو شرط دستگیر شدگان گردیده است.
«تظاهرات کارگران چیت سازی بهشهربا شعار مرگ بر جمهوری اسلامی همراه شد» عنوان اطلاعیه‌ای ست که در تاریخ ۲۵ خرداد ماه انتشاریافت.
این اطلاعیه با اشاره به مبارزات مستمر و پیگیر کارگران چیت سازی بهشهر درطول دو سال گذشته، می‌افزاید که کارگران روز گذشته، مجددا در خیابان‌های شهر تظاهرات کردند. گروه کثیری ازتوده‌های مردم نیز به این تظاهرات پیوستند. کارگران چیت سازی بهشهر دراین تظاهرات علیه سران رژیم شعار دادند وخواهان تغییر نظام در ایران شدند.
این اطلاعیه در پایان نتیجه می‌گیرد که این تظاهرات نویدبخش روی آوری توده‌های کارگر به مبارزه آشکارا سیاسی برای کوبیدن مهر ونشان کارگران برجنبش توده‌ای ست که اکنون به مرحله اعتلای نهایی خود نزدیک می‌شود.
در ۲۷ خرداد ماه، سازمان با صدور اطلاعیه‌ای بازداشت مجاهدین خلق را توسط دولت فرانسه محکوم نمود وخواهان آزادی فوری دستگیر شدگان‌گردید.
در این اطلاعیه گفته شده است که دولت فرانسه در یک اقدام آشکارا جانبدارانه نسبت به رژیم جمهوری اسلامی، به قصد سرکوب مخالفین رژیم، دست به بازداشت گسترده اعضای سازمان مجاهدین خلق زده است و ازنخستین ساعات بامداد ۱۷ ژوئن با یورش به منازل مجاهدین خلق حدود ۱۵۰ تن را دستگیر کرده است.
در پایان این اطلاعیه آمده است که سازمان فدائیان(اقلیت)، این اقدام سرکوبگرانه دولت فرانسه را که نتیجه زدوبند آشکار آن با رژیم جمهوری اسلامی علیه مخالفین این رژیم است ونقض علنی و خشن حقوق پناهندگان سیاسی محسوب می‌شود، شدیدا محکوم می‌کند وخواهان آزادی فوری بازداشت شدگان است.
« به یاری دستگیرشدگان بشتابیم» عنوان اعلامیه‌ای ست که درتاریخ ۱۳۸۲/۴/۱، خطاب به مردم زحمتکش و ستمدیده ایران صادر شده‌است.
دراین اعلامیه با اشاره به بازداشت صدها تن ازمردمی که در جریان تظاهرات ده روز گذشته، توسط نیروهای سرکوب حکومت اسلامی به بند کشیده شده اند، گفته شده است، سران حکومت وارگان‌های سرکوب نظامی وامنیتی آن، در تلاش‌اند به منظور مرعوب کردن مردم و مقابله با رشد اعتراضات و مبارزات توده‌ای، اقدامات وحشیانه خود را علیه مردم ایران تشدید کنند وصدها تن ازمردمی را که در دهها شهر ایران دستگیر شده‌اند به محاکمه بکشند وبه مجازات‌های سنگینی محکوم‌کنند.
سپس خطاب به مردم زحمتکش و مبارز ایران، اقدام فوری برای نجات دستگیرشدگان، وظیفه‌ای مبرم اعلام شده وازهمگان خواسته شده است با تشدید مبارزه واعتراض و حمایت و پشتیبانی از خانواده‌های بازداشت شدگان، به یاری بازداشت شدگان بشتابند.
تشکیلات خارج کشور سازمان، در تاریخ ۱۹ ژوئن ۲۰۰۳ اطلاعیه‌ای با عنوان «جان رفیق مهدی انصاری در خطر است» انتشار داد. در این اطلاعیه گفته شده است که مهدی انصاری، یکی از هواداران سازمان که در سال ۱۹۸۳ توسط رژیم جمهوری اسلامی دستگیر وزندانی شد، پس از آزادی از زندان به ژاپن رفت وتقاضای پناهندگی نمود. دولت ژاپن در ۲۰ دسامبر ۲۰۰۲ تقاضای پناهندگی وی را پس از چهار سال رد کرد و وی را روانه زندان نمود.
اطلاعیه می‌افزاید، دولت ژاپن قصد دارد مهدی انصاری را به جمهوری اسلامی تحویل دهد، لذا وی از روز ۱۰ می ۲۰۰۳ در اعتصاب غذا به‌سر می‌برد.
در پایان، تشکیلات خارج کشور سازمان با اعتراض به رفتار دولت ژاپن، از سازمان‌ها وافراد مدافع حقوق پناهندگان خواسته است که با ارسال فاکس و ای میل، برای نجات جان مهدی انصاری تلاش کنند.

ازصفحه ۱

پیش ابعاد تعرضی به خود گرفته است، تقویت کنند.
دانش آموزان مبارز نیز که هم اکنون نیز بخشا در این جنبش حضور دارند، با سازماندهی تظاهرات در هر محله و منطقه‌ای قادرند، تظاهرات را به تمام شهرهای ایران گسترش دهند.

مردم مبارز ایران!

هنگام آن فرا رسیده است که در سراسر ایران به نبردی نهایی برای سرنگونی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی برخیزیم. تظاهرات گام نخستین است. اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه کار رژیم را یکسره خواهد کرد. با ایجاد کمیته‌های اعتصاب در محل کار و کمیته‌های اقدام در محلات، در تدارک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه باشید.

مردم زحمتکش و تحت ستم ایران!

از هم اکنون بیاد داشته باشیم که سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، به تنهایی برای تحقق مطالبات‌مان کافی نیست. از تجربیات گذشته خود بیاموزیم و اجازه ندهیم که یک بار دیگر ماجرای فاجعه‌بار به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی تکرار شود.
برای این که مبارزات ما مردم زحمتکش و تحت ستم به نتیجه قطعی برسد، نباید اجازه دهیم که بار دیگر با سرنگونی رژیم، مرتجعین با وعده و وعید، قدرت را از چنگ ما درآورند.
برای این که بتوانیم قدرت را به دست آوریم و بر سرنوشت خویش حاکم گردیم، نباید به چیزی کمتر از استقرار یک حکومت شورایی در ایران رضایت دهیم. چرا که تنها از طریق حکومت شورایی است که می‌توانیم اعمال حاکمیت کنیم و به مطالبات و خواستهایمان جامه عمل پوشیم.

پیروز باد مبارزات توده های مردم ایران
سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران
برقرار باد حکومت شورایی
سازمان فدائیان (اقلیت)
۱۳۸۲ /۳/۲۴
کار - نان - آزادی - حکومت شورایی

www.iran-archive.com

ازصفحه ۱

فشرده اخبار و گزارش

اعتراضات دانشجویی و تظاهرات خیابانی

علم و صنعت ، خواجه نصیر ، تربیت معلم، صنعتی امیر کبیر و دانشگاه تهران فعالانه مشارکت‌داشتند. گرچه‌کانون مهم‌آغاز وتداوم مبارزه، کوی دانشگاه تهران و خیابان های اطراف آن بود، اما این اعتراضات در ادامه خود به دیگر مناطق و خیابان‌های تهران از جمله میدان‌نارمک، پارک‌لاله، میدان‌محسنی، میدان صادقیه، جردن، میدان گل‌ها، چهار راه امیرآباد، محدوده گلبرگ و فلکه اول تهران پارس، میدان فاطمی، منطقه ولنجک و بزرگ راه نزدیک آن ، اتوبان کردستان، بزرگ راه جلال آل احمد ، خیابان ستارخان و مناطق دیگری نیز تسری یافت و همه جا حمایت و پیوستن سایراقشار مردم زحمتکش را درپی‌داشت. در جریان این عتراضات و تظاهرات توده‌ای هزاران‌نفره که با پیشروی و عقب‌نشینی‌هایی همراه بود، علاوه برشعارهایی که برای جذب مردم به تظاهرات داده می‌شد مثل‌شعارایران شده‌فلسطین-مردم‌چرانشستین و یادانشجو به پا خیز- برادرت کشته شد، شعارهای زیادی علیه حکومت، علیه خامنه ای، علیه خاتمی ودیگر سران رژیم نیز داده شد. طالبان حیا کن- حکومت را رها کن، ملا عمر زنده باد- خامنه ای پاینده باد، ای دیکتاتور پینوشه- ایران شیلی نمیشه، دیکتاتور- کارت تمومه ، رهبر بروگمشو، خاتمی‌استعفا،استعفا، مزدور برو گمشو ، حکومت زور نمی خوایم- پلیس مزدور نمی خوایم از جمله این شعارها بود. یکی از شعارهای‌اصلی دراکثر تظاهرات‌ها، شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" بود. علاوه بر آن ، شعار هایی که عزم و اراده اعتراض کنندگان به‌ادامه مبارزه رابیان می کرد، مانند توپ تانک بسیجی-دیگراثرندارد، و می کشم می کشم آنکه برادرم کشت، ونیز شعارهایی درموردآزادیهای‌سیاسی و مغایرت این آزادیها با موجودیت حکومت اسلامی مثل، "آزادی، آزادی، آزادی‌سیاسی" و "آزادی‌اندیشه - با ریش و پشم نمیشه " از جمله شعارهای اعتراض کنندگان تهران بود.

اعتراضات و تظاهرات‌دانشجویان که درتاریکی شب آغاز می شد ونزدیک صبح فروکش می کرد، وسیعا مورد حمایت سایر اقشار مردم قرار می گرفت. بسیاری ازجوانان و سایر اقشار مردم، به صف اعتراض‌کنندگان پیوستند، عده ای از مردم همراهی وحمایت خود رابه‌اشکال دیگری نشان دادند. برای نمونه عده ای از مردم از پشت بام‌ها به شعاردادن و هوکردن نیروهای سرکوب پرداختند و یا با پرتاب سنگ ومواد آتش زا، با این نیروها به مقابله پرداختند. عده دیگری با روشن کردن چراغ‌اتومبیل هاو بوق زدن، تظاهرکنندگان را مورد تشویق قرار داده وبا آنان ابراز همبستگی نمودند. تظاهر - کنندگان نیز با آتش زدن لاستیک و مسدود ساختن خیابان ها و پرتاب سنگ و آجر به مقابله با نیروهای سرکوب پرداختند ودر یک مورد با روشن کردن آتش و حمل کپسول گاز و تهدید به انفجار آن، سرکوبگران را عقب راندند. در موارد دیگری نیز به سرود خوانی و پایکوبی به دور آتش پرداختند و برخی از زنان ودختران شرکت کننده درتظاهرات نیز روسری های خود را به نشانه اعتراض به حجاب اجباری به داخل‌آتش‌افکندند. ازدیگر وقایع کم سابقه تظاهرات توده ای‌اخیر، دستگیری چند عنصر موسوم به لباس شخصی مجهز به بی‌سیم و گازاشک آور و افشاء این مزدوران بود. اعتراض کنندگان ، در جریان این تظاهرات‌ها، درسطح بسیار وسیعی روی دیوارها شعار نویسی کردند. علاوه بر آن ، خساراتی به بانک‌ها و تاسیسات دولتی نیز وارد ساخته و چند دستگاه موتور سیکلت و وسیله نقلیه متعلق به نیروهای سرکوب را به آتش کشیدند. رئیس مرکز اطلاع رسانی نیروهای انتظامی دراین رابطه گفت ۳۴ دستگاه موتور سیکلت، ۲۲ دستگاه خودرو، ۵ بانک خسارت دیده اند و ۲۲ پلیس در اثر پرتاب سنگ مجروح شده اند.

به هر رو چیزی که روشن است این است که اعتراضات دانشجویی وتظاهرات خیابانی که چند روز ادامه داشت ، انعکاس بسیار وسیعی هم درسطح‌ایران و هم درسطح‌جهان برجای گذاشت و رژیم پوسیده جمهوری اسلامی را شدیدابه وحشت‌انداخت. جمهوری اسلامی برای مهار و سرکوب این اعتراضات، انواع نیروهای سرکوب خود رابه میدان‌آورد و از هر وسیله ای استفاده کرد . به میان تظاهرکنندگان گازاشک‌آور و نارنجک صوتی پرتاب‌کرد، باکارد و قمه، زنجیر و باتوم به مردم‌حمله کرد و به ضرب وشتم‌آنان پرداخت، برای قطع‌ارتباط ها ، تلفن‌های موبیل را از کارانداخت، به روی‌مردم گلوله‌های پلاستیکی شلیک کرد، مردمی را که به تظاهر کنندگان کمک کرده بودندبه انحاء مختلف تحت فشار قرارداد، علاوه برتیراندازی‌ها و رگبارهای هوایی، در برخی مناطق به روی مردم آتش گشود و با بی رحمی به قلع و قمع اعتراض کنندگان پرداخت. نیروهای انتظامی، سپاه پاسداران ، گارد ویژه ضد شورش ، نیروهای بسیجی، موتور سواران حزب الهی ، لباس شخصی‌ها و سایر عناصر امنیتی و نوچه‌های خامنه‌ای، دانشجویان را تادرون خوابگاهها تعقیب کردند . خوابگاه دانشگاه بهشتی ، علامه، همت، چمران و کوی دانشگاه تهران، مغول وار مورد هجوم و ایلغار قرار گرفت. در ودیوار اتاق ها را تخریب کردند . میز، تخت، قفسه کتاب ولوازم شخصی‌دانشجویان را تخریب و نابود کردند و در مواردی هم دزدیدند . در صدها نقطه تهران گشت های بازرسی دایر کردند . صدها تن بازداشت و روانه زندان‌شده‌اند، صدهاتن زخمی ومجروح شده و دهها نفر دیگر ربوده و یا ناپدید شده‌اند . حتا به مجروحین نیز رحم نکرده و آنها را از بیمارستان‌هاربوده وبه زندان‌افکندند. روشن است که سرکوب بیشتر وبی رحمانه تر دردستور کار رژیم است. این موضوع‌آشکارا درسخنان یزدی، عضو شورای نگهبان، رئیس سابق قوه قضائیه و یار دیرین خامنه ای در نمازجمعه تهران(۳۰خرداد)نیزانعکاس‌یافت. نام برده که از اعتراض کنندگان با عنوان " اغتشاش گر" یاد نمود ، آنان را "محارب" خواند و از قوه قضائیه خواست که در برابر آنان هرگونه ملاحظه‌ای را کنار بگذارد. وی سخن خامنه ای را نیز نقل کرد که باید با "اعتشاش گران" به "بی رحمانه ترین شکل" برخوردشود.

گرچه‌اعتراضات وتظاهرات توده‌ای در شکل ده روز اول، درلحظه حاضرفروکش کرده‌است، اما این اعتراضات در اشکال دیگری ادامه دارد. هم‌اکنون دراکثر دانشگاه‌ها درتهران، دانشجویان دست به‌اعتصاب وتحصن زده‌اند و در مرحله نخست خواستار آزادی فوری دستگیر شدگانند. علاوه برآن صدها تن از اعضای خانواده های دستگیر شدگان اخیر تهران، چندین روز پیاپی است که در برابر زندان اوین، دربرابرساختمان مرکزی دانشگاه تهران و نیزدر مسجد دانشگاه، دست‌به تجمع و تحصن زده و خواستار آزادی‌دستگیر شدگانند.

اصفهان-روزبیست ویکم خرداد، کوی‌دانشگاه اصفهان نیز شاهد تجمعات اعتراضی دانش جویان بود . در حالی که انصار حزب الله و سایر نیروهای سرکوب با حضور در برابر در دانشگاه می خواستند از سرازیر شدن دانش جویان به خیابان ها جلوگیری کنند، دانش جویان شعارهایی علیه رژیم و سران آن سر دادند و به خیابان ها آمدند. از سوی دیگر هزاران نفراز مردم و دانشجویان دراعتراض به وضعیت موجود، درخیابان‌های شهر دست به تظاهرات‌زدند که دراطراف دروازه شیراز کار به درگیری با نیرو های سرکوب کشیده شد . این اعتراضات علی رغم سرکوب ودستگیری -های وسیع، روز های بعد نیز ادامه یافت.

روزهای۲۴ و۲۵ خرداد، دانشجویان درضلع غربی دانشگاه اصفهان دست به تجمع زدند. دانشجویان‌دانشگاه‌صنعتی‌اصفهان نیزدست به تجمع‌اعتراضی زدند. مرگ برانصار، مرگ بردیکتاتور، ای ملت بت‌شکن ، بت‌بزرگ را بشکن، شعارهایی بود که اعتراض کنندگان تکرارمی‌کردند. تظاهرات توده‌ای و درگیری با نیروهای سرکوب، علاوه بردروازه شیراز، به نقاط دیگر شهر ، از جمله شاهین شهر، چهارراه تختی، چهارراه شکر شکن و غیره نیز سرایت کرد. در وسط خیابان ها لاستیک - های آتش زده شعله ور بود . چند دستگاه موتور سیکلت متعلق به نیروهای سرکوب به آتش کشیده شد وچند موسسه دولتی نیزمورد حمله مردم قرار گرفت. سرانجام با تهاجم وحشیانه‌نیروهای‌سرکوب ، ضرب‌وشتم‌مردم و دستگیری های وسیع، از هرگونه تردد در خیابان‌ها ممانعت به عمل‌آمد و دانشجویان به‌داخل دانشگاه‌رفتند. به دنبال آن نیروهای انصارحزب‌الله، خوابگاه دانشگاه‌صنعتی را آتش زدند. دانش‌جویان دربرابر دفتردانشگاه دست‌به تجمع‌زده وخواستارامنیت‌خود شده‌اند. این‌درحالیست که‌دانشجویان‌متحصن دردانشگاه هنراصفهان نیز به‌رغم‌آن که مورد حمله قرار گرفته‌اند، همچنان به‌اعتصاب خود ادامه می دهند. بیش از ۳۰۰ نفر دستگیر شده اند.

دیزچه- پنجشنبه شب(۲۲خرداد)مردم دیزچه (یکی ازشهرهای مبارکه اصفهان) نیز دست به تظاهرات زدند وبا نیروهای بسیجی به زد وخورد پرداختند. این تظاهرات روز بعد نیز ادامه یافت. نیرو های سرکوب به روی مردم‌آتش گشودند. یک جوان ۲۲ساله کشته و چند تن دیگرزخمی شدند. درادامه تهاجم نیروهای سرکوب و خانه گردی شبانه، شمار دیگری از ساکنین این شهر مورد تهاجم و ضرب وشتم قرار گرفته و دستگیر شدند.

ارومیه- روز ۲۸ خرداد، صدها تن از دانش جویان دانشگاه ارومیه ، در برابر دانشکده کشاورزی دانشگاه ارومیه واقع در مجتمع

صفحه ٦

www.iran-archive.com

ازصفحه ۵

فشرده اخبار و گزارش

اعتراضات دانشجویی و تظاهرات خیابانی

پردیس نازلو دست به تجمع زدند وضمن سر دادن شعارهایی علیه‌حکومت، به قصدانجام تظاهرات در خیابان های شهر، به سمت در خروجی دانشگاه حرکت کردند اما حراست دانشگاه فورا اقدام به‌بستن درهای خروجی و تعطیل دانشگاه نمود.

تبریز- تجمعات اعتراضی دانشجویان تبریز ازشب یکشنبه ۲۵ خرداد ازخوابگاه‌های ولی عصر و شهرک امام و نیز خوابگاه دختران دانشجوآغاز گردید. این تجمع‌اعتراضی روز بعد به داخل دانشگاه تبریز کشیده شد. مرگ براستبداد، مرگ بر دیکتاتور، خاتمی استعفا، ستعفا، ازجمله شعارهای دانش - جویان بود . در حالی که نیرو های سرکوب مانع خروج‌دانشجویان ازدانشگاه شده‌بودند، شمار کثیری‌ازجوانان و سایر اقشار مردم، به حمایت از دانشجویان در خیابان های اطراف‌دانشگاه گردآمدند. نیروهای‌امنیتی - نظامی، جهت کنترل‌اوضاع، برخی‌خیابانها را مسدود کرده و مانع عبور و مرور شدند. روزبعد خوابگاههای دانشجویان مورد حمله وحشیانه نیروهای سرکوب قرار گرفت، ۱۳۵ نفر ازدانشجویان باز داشت شدند. دانش- جویان و سایراقشار مردم معترض، تجمعات و تظاهرات خود را به خیابان های اطراف خوابگاه ونیز به میدان دانشگاه وچهار راه آب رسان، کشاندند.

رفسنجان - دانشجویان دانشگاه رفسنجان نیز دو روز متوالی دست به‌اعتراض زدند و با تجمع درمیدان طالقانی، شعارهایی‌علیه حکومت اسلامی سر دادند. دراثر حمله نیرو - های سرکوب شماری از اعتراض کنندگان مجروح و دستگیر شدند.

شیراز - دانشجویان علوم پزشکی دانشگاه شیرازنیزبا برپایی تجمع اعتراضی، ازسایر دانشجویان خواستند که به آنها ملحق شوند. درعین حال روز ۲۴ خرداد شمار زیادی از دانشجویان همراه با سایر اقشار مردم در بلوارچمران شیراز دست به تجمع اعتراضی زدند. این اعتراضات چند روز ادامه داشت. " مرگ بر جنایت کار " یکی از شعارهای اعتراض کنندگان بود. دراثرحمله وحشیانه نیروهای سرکوب، یک نفر کشته شد وشمار زیادی نیز بازداشت شده اند.

کرمانشاه - درشهرکرمانشاه نیزدانشجویان علوم پزشکی ونیزدانشجویان رازی‌کرمانشاه در روز ۲۷خرداد درمحوطه خوابگاه دست به تجمع‌های اعتراضی زدند. بسیاری ازجوانان و سایر اقشارمردم در حمایت از دانشجویان، در خیابان های اطراف خوابگاه جمع شدند. تجمعات دیگری نیز در برخی ازمناطق شهر ازجمله پارکینگ شهرداری‌ایجاد گردید. این تجمعات چندین ساعت طول کشید و میان دانشجویان ونیروهای سرکوب، سنگ پرانی و درگیری هایی نیز ایجاد شد.

کرمان- درحمایت از تظاهرات و اعتراضات دانشجویان و سایر اقشار مردم در تهران، دانشجویان کرمان نیز چند روز متوالی در میدان کوثردست به‌اجتماع وتظاهرات زدند. سایراقشارمردم نیز دراین تظاهرات شرکت کردند، به‌نحوی که روز دوم تظاهرات، شمار اعتراض کنندگان به بیش از هفت هزار نفر رسید . نیرو های سرکوب به صف اعتراض کنندگان حمله بردند وبه میان آنها گازاشک آور پرتاب کردند. اعتراض کنندگان ضمن بر افروختن آتش، دست به‌مقاومت زدند. آخرین خبرهاحاکی است که دراعتراض به حمله به دانشجویان و دستگیری‌های اخیر، درآخرین روزخرداد نیزصدها تن از دانشجویان‌مجددا دست به تظاهرات زده اند و ضمن سردادن شعارهایی علیه رژیم، خواستارآزادی فوری تگیر شدگان و آزادی زندانیان سیاسی‌شده اند. دس

کرج- کرج و شهرک های اطراف آن نیز چند روز متوالی شاهد تظاهرات و اعتراضات خیابانی‌بود. این تظاهرات، دراکثرموارد به درگیری بانیروهای سرکوب‌و سنگ پرانی‌به سوی‌آنهاانجامید. نیروهای سرکوب باپرتاب گازاشک آور، به صفوف تظاهر کنندگان حمله کردند، شمار زیادی مجروح و به بیمارستان - هامنتقل شدند. در جریان این اجتماعات اعتراضی، برخی‌بانک‌ها و تاسیسات دولتی مورد تعرض اعتراض کنندگان قرار گرفت. درربا‌ط کریم، گوهر دشت، فردیس، حصارک و گلشهرکرج صدهاتن دستگیرشدند. علی‌رغم این، دانشجویان دانشگاه حصارک درسومین شب‌اعتراض، تجمع‌اعتراضی‌دیگری درمحوطه دانشگاه برگزارنمودند. خانواده‌های دستگیر شدگان چندین بار دربرابر زندان گوهردشت دست به تحصن زده و خواستار آزادی فوری دستگیرشدگان شدند.

مشهد- نزدیک به دوهزار نفر از دانشجویان و سایراقشار مردم زحمتکش مشهد، ازساعت ۹ شب یکشنبه ۲۵ خرداد، در خیابان احمد آباد، راهنمایی و برخی دیگر از خیابانهای این‌شهر، دست به تظاهرات‌و تجمع اعتراضی زدند. این تجمعات اعتراضی که تا پاسی گذشته از نیمه شب ادامه داشت در روزهای بعد نیزتکرارشد. یگان‌های ویژه موتورسوار، بسیج و حزب الله ولباس شخصی ها که به صورت گروهی حرکت می‌کردند، با سردادن شعار الله اکبر و با استفاده از اسپری بی حس کننده، به صف اعتراض کنندگان حمله کردند. بیش از ۸۰ نفر از اعتراض کنندگان بازداشت‌شدند. دانشجویان‌دانشگاه فردوسی، دانشگاه سجاد مشهد و موسسه آموزش عالی مشهد، در اعتراض به اقدامات سرکوبگرانه دست به تحصن زدند و یابابرگزاری‌تجمعات اعتراضی، خواستارآزادی‌فوری‌دستگیرشدگان‌شدند.

همدان - شهر همدان نیز مثل سایر شهرهای ایران شاهد اعتراضات و تظاهرات توده ای بود . شب های ۲۵ و ۲۶و ۲۷ خرداد، دانش - جویان دانشگاه بوعلی دست به تظاهرات زدند و شعارهایی علیه رژیم و سران آن سر دادند . اجتماع اعتراضی دانشجویان ، با حمایت سایراقشار مردم‌دربیرون ازدانشگاه و تکرار همان شعار ها از زبان آنها روبرو گردید . سرانجام نیرو های ویژه سرکوب به طرز وحشیانه‌ای به‌خوابگاه دانشجویان حمله کردند. گفته می‌شود که درجریان این تهاجم بربرمنشانه، سه نفر کشته، دهها نفر زخمی و دهها تن دیگر بازداشت شده‌اند. روزهای بعد ، دانشگاه تعطیل اعلام گردید و نیروهای انتظامی دانشگاه را به اشغال خوددرآوردند.

یزد- صدها تن از دانشجویان و سایر اقشار مردم، روز سه شنبه ۲۷ خرداد با اجتماع در فلکه‌اطلسی یزد واقع درمنطقه صفاییه، دست به تظاهرات زدند. نیروهای سرکوب، اعتراض کنندگان رامحاصره‌کردند. اعتراض کنندگان، ضمن سردادن شعارهایی علیه رژیم و شعار "زندانی سیاسی‌آزادبایدگردد"، با سر دادن شعار های دیگری، خواستار پیوستن سایر مردم‌به صف اعتراض کنندگان شدند. اجتماعات اعتراضی مردم یزد، در روزهای بعد گسترده‌ترشد. پنجشنبه‌شب وجمعه شب، در محله سید گل سرخ، چاه ملکی و فهادان، درگیری های سختی بین انصار حزب الله و مردم به وجود آمد. تمام دیوارهای‌این‌منطقه پر از شعارهایی علیه رژیم و سران آن بود. اعتراض‌کنندگان در برابریورش‌های وحشیانه نیروهای‌انتظامی و پرتاب گازاشک‌آور، دست به مقاومت زده و به طرف‌آنها سنگ و آجر و همچنین کوکتل مولوتف پرتاب کردند و در ادامه خساراتی نیز به تاسیسات دولتی وارد کردند.

- در بسیاری از شهرهای دیگر نیز اعتراضات مشابهی صورت گرفت. در رشت علاوه بر تجمع اعتراضی دانشجویان‌خوابگاه میزارکوچک‌خان، جوانان و سایر اقشار مردم دست به تظاهرات وتجمعات اعتراضی زدند. در سبزه میدان عکس -های رهبران حکومت را پاره کردند. نیروهای سرکوب دراین محل و نیز درچهار راه میکائیل، وحشیانه به مردم حمله کردند. در شهر زنجان نیز دانشجویان به حمایت از دانشجویان در سایر شهرها برخاسته و درمحل خوابگاه دست به تجمع اعتراضی زدند، در سبزوار دانش- جویان در فرمانداری شهر تحصن کردند ، در اهوازمنطقه کیان پارس، تظاهراتی درحمایت از دانشجویان برگزار گردید. انصار حزب‌الله به صف تظاهر کنندگان حمله کرد پلیس ضد شورش نیز آنها را حمایت کرد وچند نفر مورد ضرب وشتم قرار گرفته و بازداشت شدند . در شاهرود نیزدانشجویان‌دانشگاه، روز ۲۵خرداد در خیابان ۲۲ بهمن دست به تجمع و راه - پیمایی‌زدند. این دانشجویان ازجمله خواستار آزادی زندانیان سیاسی شدند . در عین حال عده‌ای دیگرازدانشجویان دربرابر زندان این شهردست به تحصن زدند. درقم نیزجمع زیادی از جوانان این شهر ، در میدان میثم سالاریه قم دست به تجمع‌اعتراضی زدند و شعارهایی علیه رژیم سر دادند. نیرو های انتظامی از ترس گسترش‌اعتراضات، سریعاازخود واکنش نشان داده و با حمله وحشیانه ، جوانان را متفرق ساختند . در سنندج نیز دانشجویان دانشگاه‌تربیت معلم روزچهارشنبه ۲۸خرداد، در حمایت ازمطالبات سراسری دانشجویان دست به تظاهرات زدند . نیرو های سرکوب بلافاصله دانشگاه را محاصره کرده و در خیابان های اطراف آن مستقر شدند و در جریان تهاجم‌این نیروها، دانشجویان دست به مقاومت زدند. جمع زیادی ازمردم برای پیوستن به دانشجویان به سمت دانشگاه راه افتادند، امانیروهای سرکوب، ازاین مسئله ممانعت به عمل آوردند.

www.iran-archive.com

ازصفحه ۱

مبارزه طبقاتی و رهائی زنان (۲۹)

رقابت شدیدی بابورژوا فمینیست‌ها یافتند. به دلیل وجود مشکلات عظیم بر سر راه سازماندهی زنان و بالنتیجه ضعف حاصل از آن، زنان در مقایسه با مردان، بیشتر تحت تاثیر سازمان های بورژوایی نظیر سازمان های زنان بورژوا بودند تا مثلا مردان تحت تاثیر حزب لیبرال کادت، که نفوذش بسیار محدود بود.

بورژوافمینیست‌ها، برای جذب زنان‌کارگر تلاش نمودند و در آغاز موفق نیز بودند. در سال ۱۹۰۵ آنها کلوب سیاسی زنان را با هدف جذب زنان کارگر در سن پترزبورگ ایجاد نمودند . این کلوب ها توانستند بیش از ۲ ماه دوام آورند تا آن که سرانجام توسط پلیس تعطیل شدند. (کولنتای-Sotsialnie Osnovy- صفحه ۲۳ و۲۴) در هر حال بسیاری از زنان کارگر دربرابر فعالین و سازماندهندگان سوسیال دمکرات مقاومت می‌کردند. به عنوان نمونه یک گروه ازکارخانه Andreev در مسکو ازشعبه محلی "اتحادیه حقوق برابر زنان" خواست که تعدادی مبلغ فمینیست به این کارخانه بفرستد چراکه سوسیال دمکرات‌ها بسیار جدی مشغول فعالیت بودند. بعضی اوقات، سازماندهان حزب سوسیال دمکرات با فمینیست ها همکاری می‌کردند. دریک مورد، یک عضو مرد سوسیال دمکرات که زنان کارگر را سازماندهی می کرد، از ادبیات فمینیستی‌استفاده کرد و ازکمک و مشاوره "اتحادیه حقوق برابر زنان" بهره جست. زنان کارگر درجلسات فمینیست‌ها شرکت می نمودند و سخنرانان "اتحادیه حقوق برابر زنان" را به کارخانه‌هایشان دعوت می‌کردند. (کولنتای- اتوبیوگرافی - انقلاب پرولتری- صفحات ۲۷۰-۲۶۸)

با این همه، با همان سرعتی که گروه‌های سازماندهی شده توسط بورژوا فمینیست‌ها رشد کرده بودند، از هم نیز پاشیدند. یک دلیل‌آن شکافی بود که زنان بورژوا وخرده بورژوا را از زنان کارگر جدا می ساخت. مورد خدمتکاران ، یک نمونه جالب است. " اتحادیه حقوق برابر زنان " به تشکیل اتحادیه خدمتکاران در مسکو و چند شهر دیگر یاری رساندند. S. K. Lspolateva یکی‌از اعضاء دفترمرکزی اتحادیه گزارش داد که آشپز وی نیز عضو اتحادیه است و جلسات‌خدمتکاران، معمولادرآشپزخانه وی برگزار می شوند . او خود این جلسات را اداره می‌کرد. هنگامی که جلسات وسیع‌تر شدند ، این جلسات به پلکان درب ورودی مخصوص خدمتکاران منتقل شدند وهمواره درمحل زندگی خدمتکاران برگزار می‌شدند. (Rothchild- گولد برگ- ص ۱۰۸)

کولنتای دراین مورد چنین اظهارنظر کرد: "آنها تلاش می‌کردند، اتحادی شاعرانه و آمیخته از خانم‌های کارفرما وخدمتکاران خانگی ایجاد نمایند . آنها می کوشیدند، مستخدمین را زیرنظربانوهایشان سازمان -دهی‌کنند." (کولنتای-Sotsialnie Osnovy - صفحات ۱۰۶ - ۱۰۲)

در "خارکف" شعبه محلی " اتحادیه حقوق برابر زنان" کمیته ویژه‌ای را جهت بررسی وضعیت خدمتکاران خانگی سازماندهی کرد. سوسیال دمکرات ها، ازاجلاس های مستخدمین خواستند که بر غیر قابل پذیرش بودن پروژه ای که با مشارکت و تحت رهبری کارفرمایانشان ، انجام می گیرد، تاکید کنند . درجریان این جلسات، خدمتکاران پیشنهادات خاص خود را از جمله حداقل‌دستمزد، ساعات کاراستاندارد روزانه و یک روز مرخصی در هفته مطرح نمودند. اکثریت خدمتکاران از این پروژه استقبال کردند. به گفته کولنتای، اکثریت فمینیست ها از این رویداد ناراحت و سر خورده شدند. آنها به‌این نتیجه رسیدند که تلاش‌هایشان‌برای سازماندهی زنان کارگر به شکست‌انجامیده‌است، لذا خط مشی خود را تغییر دادند . اعضای " اتحادیه حقوق برابر زنان" تصمیم گرفتند که فعالیت ها - یشان رادرمیان زنان کارگر، به تبلیغات عمومی نظیر مدارس یکشنبه ، کلاس های کارگری دربرخی کارخانه ها، کاردر کافه تریاها وآشپزخانه ها وجمع آوری امضاء برای کارزارهای جلب‌حمایت محدود کنند. (گولدبرگ -ص ۱۰۷)

زنان سوسیال دمکرات در جلساتی که "اتحادیه حقوق برابرزنان" برای‌زنان‌کارگر برپا می‌کرد، حضورداشتند اما برخورد آنها به این اتحادیه متفاوت بود. "زنان سوسیا - یست‌های انقلابی" (اس-ارها) و منشویک، " بر ضرورت ایجاد ائتلاف وسیع شامل سوسیالیست‌هاو زنان‌لیبرال تاکید داشتند." (کولنتای- اتوبیوگرافی صفحات۷۰-۲۶۱) بلشویک ها با این نظر مخالف بودند. کولنتای‌که درسال ۱۸۹۶ به مارکسیست‌ها پیوسته بود، تا زمستان ۱۹۰۵، کارسازمان یافته ای در میان زنان کارگر انجام نداد. او گرچه هنوز به بلشویک ها نپیوسته بود، اما یکی ازسرشناس ترین مخالفین هرگونه ائتلاف بود.

کولنتای، خواهان رعایت دقیق مشی‌طبقاتی، سازماندهی زنان طبقه کارگر در اتحادیه‌ها وجنبش سوسیال دمکرات و مخالف کامل با فمینیست‌هابود. اوهمواره به واژه "فمینیسم" به شکلی تحقیرآمیزاشاره می‌کرد وفمینیسم را "مبارزه زنان بورژوا برای متحد شدن و اتکاء به یک دیگر به قصد تودهنی زدن به دشمن مشترک یعنی مردان ، تعریف می‌کرد. (Rothchild -کولدبرگ- ص ۹۹)

درطی سال ۱۹۰۵، وی در بسیاری ازجلسات فمینیست‌ها شرکت کرد، رهبران‌آنها را مورد حمله و سرزنش قرار داد وزنان کارگر را به جدایی از آنها فراخواند. او برخورد ظریفی نداشت . عباراتی همچون " هوچی گری" یا " شما بازیچه باند های سیاه هستید " یا "خفه شوید، هم ازسرتان زیاداست" درگفته - های او چندان غیر معمول نبود. (اتوبیو گرافی کولنتای - صفحات ۸- ۲۶۷)

زنان بلشویک و منشویک علی رغم مخالفت برخی از سوسیالیست های سرشناس نظیر Vera Zasulich تلاش‌نمودند که باشگاههایی برای زنان کارگر ایجاد کنند. اولین تلاش کولنتای که مورد تائید کمیته پترزبورگ حزب قرارگرفت، فاجعه بار بود. حزب وعده داده بودکه محلی برای‌اجلاس تدارک ببیند، اما وقتی که کولنتای وچند کارگر دیگر به محل رسیدند باتابلویی مواجه شدندکه روی آن نوشته شده بود: "جلسه ای که فقط برای زنان بود، کنسل شده است. فردا جلسه ای "فقط برای مردان" برگزارخواهدشد. (همان جا - ص ۲۷۲)

در حقیقت نتایج ایجاد باشگاههایی برای زنان‌کارگربسیار محدود بودند. اولین کلوب زنان کارگرکه ازطرف سوسیالیست‌ها تامین مالی شده بود، به نام انجمن " کمک های متقابل زنان کارگر" درپائیز۱۹۰۷ در سن پترز بورگ گشایش‌یافت. این‌انجمن، قانونی بود و سازمان دهندگان آن ازجمله کولنتای و گروهی از زنان کارگربودند. فعالیت‌های آن شامل سخنرانی و یک کتاب خانه بود. این کتاب خانه هر شب بازبود و بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ عضو داشت (که دو سوم آن زن و مابقی مرد بودند) این‌انجمن، آگاهانه خود را وابسته به جناح های حزبی نمی‌دانست. هر دوجناح بلشویک و منشویک درآن شرکت می‌کردند و درامور آن مشارکت داشتند. در بهار ۱۹۰۸ درگیری جناح ها، کلوب را دو شقه کرد، یکی از گروه‌های جنجال برانگیز، خواهان‌اخراج تمام روشنفکران شد. کولنتای به عنوان یکی از روشنفکران کنار زده شد. در حالی که تا پایان سال ۱۹۰۸، کلیه کلوب - های زنان در سن پترزبورگ منحل شده بودند ، ۱۵ کلوب کارگری که مردان و زنان عضوآنها بودند، به حیات خودادامه می‌دادند. آنها ۶۰۰۰ عضو داشتند که حدود یک پنجم آن زن بودند. این زنان، اکثرا جوان (تقریبا دو سوم زیر ۲۵ سال بودند.) و با سواد بودند. اطلاعاتی که در مورد دو کلوب برجای مانده، حاکی‌ست که در یکی از این دو کلوب، ۹۶/۶ درصد زنان با سواد بودند ودر دیگری میزان سواد در میان زنان ۹۹/۵ درصد بود. (کلوب کارگران در سن پترزبورگ ۱۹۱۴- ۱۹۰۷- صفحات ۱۱۱- ۸۸)

* اولین کنگره زنان روسیه موضوع بعدی از این کتاب می باشد.

کمک مالی رسیده

سوئیس

سهراب- س ۵۰ فرانک

www.iran-archive.com

پاسخ به سئوالات

یکی از رفقای هوادار سازمان درسوئیس، با ارسال یک نامه به تحریریه سازمان و نقل جملاتی از ‘نشریه کار‘ سئوالی را مطرح نموده و خواهان توضیح شده‌است. این رفیق نوشته‌است:

"درقسمتی ازمقاله تحت عنوان "امپریالیسم آمریکا و جمهوری اسلامی" از نشریه شماره ۴۰۴ نیمه اول اردیبهشت ماه به این گونه آمده‌است‌که: بی‌طرفی فعال‌در واقع معنایی جز حمایت در عمل از تجاوز نظامی بلوک امپریالیستی به عراق نداشت. معلوم‌بود که امپریالیست های‌آمریکایی-انگلیسی‌بی‌طرفی جمهوری‌اسلامی را رایگان به دست‌نیاورده بودند. حمله نیروهای متجاوز آمریکایی در اواخر فروردین ‘ به برخی از پایگاه های مجاهدین خلق درعراق نشان داد که‌امپریا - لیست ها در پی زد و بند هایشان با جمهوری اسلامی، هزینه "بی طرفی" آن را می پردازند.

در شماره بعدی‌نشریه کاریعنی "۴۰۵" نیمه دوم‌اردیبهشت ماه درقسمتی‌ازمقاله "مسابقه برای‌جلب‌حمایت‌امپریالیسم‌آمریکا" آمده‌است که: این واقعیت درجریان بمباران‌های شدید آمریکادرعراق نیزنشان داده شد که مقرهای مجاهدین مورد بمباران نیروهای نظامی آمریکا قرار نگرفت. دولت آمریکا حتا قصد خلع سلاح‌مجاهدین را نیزنداشت بلکه زیر فشار متحد خود ‘ دولت انگلیس و قرار و مدارهای آن با جمهوری‌اسلامی، سرانجام آنها را خلع سلاح کرد . اکنون مقامات سیاسی و نظامی آمریکا زمزمه های آن را آغازنموده‌اند که نام مجاهدین را از لیست گروه‌های تروریست خودحذف‌کنند ومجاهدین نیز در تلاشند با نزدیکی بیشتر به آمریکا در محاسبات جدید آمریکا نقش خود را ایفا کنند.

خواننده نشریه بعد ازخواندن این دو مقاله واقعا نمی تواند به یک نتیجه قطعی برسد. درمورد این که ‘آیا نیروهای هوایی نظامی آمریکا - انگلیسی بالاخره به پایگاههای مجاهدین حمله کرده اند یا خیر؟" (سعید از سوئیس)

ج -رفیق سعید عزیز! اگربه همین جملاتی‌که از دو سرمقاله شماره‌های ۴۰۴ و ۴۰۵ نشریه کارنقل کرده‌ای، دقیق شوی، می‌بینی که‌اشاره هر یک از این دو سرمقاله در مورد مسئله مورد بحث به‌دو مقطع مختلف است.

درسرمقاله کارشماره ۴۰۴صحبت ازبمباران پایگاه های مجاهدین در پی سقوط صدام است. استناد این‌سرمقاله نیز به خبری‌ست که در آن زمان از سوی فرماندهان نظامی ارتش آمریکا انتشاریافت واعلام‌این خبر همزمان بود باخبری که سازمان مجاهدین خلق درموردحمله نیروهای نظامی‌جمهوری اسلامی و عوامل و گروه‌های‌عراقی‌وابسته به آن به مقرهای این سازمان منتشر نمودند. اما سازمان مجاهدین خلق درمورد خبری که فرماندهان نظامی‌ارتش‌آمریکا درمورد بمباران قرارگاههای این سازمان انتشار دادند، هیچ موضعی نگرفت و بالاخره هم مشخص نشد که آیا واقعایک حمله نظامی به این پایگاه صورت گرفت یا صرفا یک عملیات ایذایی بود و یا مانوری از سوی آمریکا برای راضی نگهداشتن جمهوری اسلامی. اما یک چیز مسلم است. اگر مقر-های مجاهدین جدا بمباران شده بودند درآن صورت می‌بایستی تلفات و خسارات سنگینی به بار می‌آورد، که اگر سازمان مجاهدین‌هم می خواست به هر علتی برآن سرپوش بگذارد، قابل کتمان نبود.

بااین همه‌باید گفت، واقعیت هرچه باشد، درمضمون سرمقاله ونتیجه‌گیری‌آن تغییری ایجاد نمی کند. این سرمقاله می خواست بگوید که امپریالیسم آمریکا برای پیشبرد سیاست‌های‌خود، سناریوهای‌مختلفی دارد. جنبه هایی ازاین سناریو ها درعمل به واقعیت تبدیل نمی شوند ومجاهدینی که یک سر قرارومدارها و زد وبندهای‌آمریکا و انگلیس با جمهوری اسلامی بودند در شرایطی دیگر درچارچوب سیاست دولت آمریکا به‌اهرم فشار علیه جمهوری‌اسلامی تبدیل می شوند.

اما سرمقاله نشریه‌کارشماره ۴۰۵به‌مقطع زمانی دیگری اشاره دارد و به بمباران نشدن‌پایگاههای مجاهدین خلق درشرایطی اشاره می‌کند که آمریکاتاسیسات سیاسی و نظامی رژیم عراق را زیر شدید ترین بمباران هوایی و موشکی قرار داده بود. اگر یک بار دیگر به جمله زیر توجه کنی روشن می‌شود که منظورمقاله چه‌مقطعی‌ست.

"این واقعیت در جریان بمباران های شدید آمریکا در عراق نیز نشان داده شد که مقرهای مجاهدین مورد بمباران های نیروهای نظامی آمریکا قرار نگرفت."

یعنی در تمام مدتی که رژیم صدام هنوز سقوط نکرده بود و شب و روز مراکز و تاسیسات نظامی و سیاسی آن درمعرض بمباران و موشک باران مداوم نیرو های نظامی آمریکا وانگلیس قرار داشتند، حتا در یک مورد هم پایگاههای مجاهدین خلق مورد حمله نگرفت . در حالی که سازمان مجاهدین درلیست گروههای تروریست‌اعلام شده ازسوی دولت آمریکا قرار داشت وقطعا نیروهای نظامی‌آمریکا اطلاعات دقیقی از محل استقرارمقرها و پادگانهای‌آنهاداشتند و چنانچه می خواستند ‘ این مراکز را با خاک یکسان می کردند، درحالی که چنین اتفاقی نیافتاد.

با این توضیحات امیدواریم ‘ که برایت روشن شده باشد که چرا در سرمقاله ۴۰۴ صحبت از بمباران پایگاه های نظامی مجاهدین است ‘ در حالی که در سرمقاله ۴۰۵ گفته شده است که مقرهای مجاهدین مورد بمباران نیروهای نظامی‌آمریکا قرارنگرفتند.

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)، نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان را به یکی از آدرسهای زیر پست کنند.

آلمان
K . A . R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

اطریش
Kar
Postfach 260
1071 , Wien
Austria

دانمارک
I . S . F
P . B . 398
1500 Copenhagen V
Denmark

سوئد
M . A . M
Postbox 1144
75141 Uppsala
Sweden

سوئیس
Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

فرانسه
A . A . A
MBE 265
23 , Rue L ecourbe
75015 Paris
France

کانادا
K.Z
P.O.BOX 2488
Vancouver B.C
V6B 3W7
Canada

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال نمائید

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره‌های فکس
سازمان فدائیان (اقلیت)
۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۹۹
۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱
۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۷۲

نشانی سازمان بر روی اینترنت:
http://www.fedaian-minority.org

پست الکترونیک E-Mail:
info@fedaian-minority.org

KAR
Organization Of Fedaian (Minority)
No. 408 juni 2003

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ـ برقرار باد حکومت شورائی

www.iran-archive.com